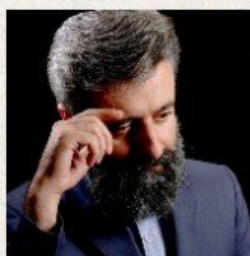


< هو الحکیم >

عنوان:

نیازمندی اجسام به نور مجرد از منظر شیخ اشراق



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

شیخ اشراق اینگونه استدلال را بیان می‌کند که همه‌ی اجسام یا عوارض یعنی همان هیئت‌های ظلمانی، همیشه هر جسمی که هست، هیئت‌های ظلمانی هم همراه با آن هستند.

بالاخره شکلی دارد، آن هیئت‌ها هم همیشه همراهش هستند، عارض به آن هستند.

هر جسمی، یک شکلی دارد؛ هر جسمی که نگاه می‌کنیم یک رنگی دارد؛ جسم، طعمی دارد؛ جسم حرارتی دارد؛ جسم برودتی دارد؛ این عَرَض‌هایی که هست همیشه همراه با این جسم هستند.

وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این عوارض در هر جسمی متفاوت هست! رنگ‌هایشان با هم فرق می‌کند؛ طعم‌هایشان با هم فرق می‌کند؛ شکل‌هایشان با همدیگر فرق می‌کند.

این عوارض، معلول اجسام هم نیستند.

این طوری نیست که فرض کنید که این طعم خاصی که این دارد، این جسم این طعم را ایجاد کرده باشد! این شکل خاصی که دارد، خود این جسم، این شکل را ایجاد کرده باشد!

این رنگی که این جسم دارد، خود این جسم، این رنگ را ایجاد کرده باشد!

می‌گوید اگر این طوری بود، چون ذات این‌ها همه جسم هست، همه باید یک شکل بودند! همه باید یک رنگ بودند! همه باید درجه‌ی حرارت‌شان یک شکل بود! پس این طوری هم نیست. می‌گوید این عوارض هم مشخص است که این‌ها نیازمند به علت هستند، قائم به خودشان نیستند، در وجودشان وابسته‌ی به اجسام هستند. در ادامه می‌گویند اجسام نیز در وجودشان نیازمند به عوارض هستند. می‌گوید همین‌طور که عوارض نیازمند به یک موضوعی هستند، نیازمند به یک جوهری هستند که بخواهند تحقق پیدا بکنند، تا جسم نباشد، شکلی تحقق پیدا نمی‌کند! تا جسم نباشد، رنگی تحقق پیدا نمی‌کند! همین‌طور تا این عوارض نباشند، این جسم، تشخص پیدا نمی‌کند! فرض بکنید که یک جسمی باشد، بی شکل! یک جسمی باشد، بی رنگ! آیا بعد می‌شود گفت که این جسم تحقق پیدا کرده؟ می‌گوید هر دو وابسته‌ی به هم هستند، منتها یکی‌شان موضوع هست، یکی‌شان عَرَض؛ یکی‌شان جوهر هست، یکی‌شان عَرَض. بعد در ادامه می‌گویند که این هیئات و عوارض ممیزه، این‌ها از لوازم اجسام هم نیستند. لازمه‌ی اینکه به این نحو باشد نیستند! می‌گوید اگر لازمه‌ی جسم بودن این هست که یک شکل خاص باشد، باید همه‌ی جسم‌ها شکل‌هایشان یکسان باشد.

@MAHDISM\_12

@SERATEHAGHI

و از نظر شیخ اشراق، تمام عوارض، اجسام مفارق هستند که حالا در ادامه‌ی بحث‌ها، این‌ها را توضیح می‌دهیم که تقسیم‌بندی می‌شود، عَرَض را به عَرَض لازم تقسیم می‌کنند و عَرَض مفارق می‌گویند عَرَض لازم، انفکاک و جدایی‌اش از ماهیت، ممتنع هست. مثلاً می‌گویند هیچ‌وقت حرارت را نمی‌توانیم از آتش منفک بکنیم! یک عَرَضی قائل هستند به نام عَرَض مفارق. می‌گویند مثلاً این هیئت نشستن نسبت به انسان! هیئت ایستادن نسبت به انسان! این قابل انفکاک هست. در آخر مطلب هم یک بحث مختصری را مطرح می‌کنند که اجسام هم، علت یک‌دیگر نیستند! این جسم بخواهد علت جسم دیگری باشد، این‌طوری نیست! چرا! می‌تواند در طول هم‌دیگر باشند، ولی باز باید به یک حقیقت دیگری برگردد. حرف‌شان این هست که می‌گویند با حدس، تیزبینی و تخمین، می‌توان فهمید که این اجسامی که بی‌جان هستند، بی‌اراده هستند، این‌ها نمی‌توانند علت یک‌دیگر باشند!

زیرا بین این‌ها اولویتی نیست که بخواهند یکی علت یکی دیگر باشد! این‌ها یکسان هستند. این‌ها جان ندارند که بخواهند علت ایجاد شیء دیگری باشند!

@MAHDISM\_12

@SERATEHAGHI